

## سبک اسنادی بزهکاران دارای اختلال سلوک و مراقبان کانون اصلاح و تربیت

حسین خدمتگزار\*، حسین شاره\*\*، یعقوب وکیلی\*\*\*، دکتر علی اصغر نژاد فرید\*\*\*\*

### چکیده

**هدف:** این پژوهش با هدف مقایسه سبک اسناد بزهکاران کانون اصلاح و تربیت شهر تهران با سبک اسنادی مراقبان این کانون اجرا شد. **روش:** این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است و در آن دو گروه آزمایشی (۳۰ نفر از بزهکاران و ۱۵ نفر از مراقبان کانون) و یک گروه گواه (۳۰ فرد عادی) که از نظر سن، جنس و تحصیلات هم‌تا شده بودند، بررسی شدند. آزمودنی‌های گروه بزهکار به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده و گروه عادی به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، اما به علت شمار کم مراقبان کانون اصلاح و تربیت، همه آنها ارزیابی شدند. آزمودنی‌های سه گروه به کمک مصاحبه و پرسش‌نامه سبک اسناد (ASQ) بررسی شدند. داده‌ها به کمک تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون تعقیبی شفه تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان دادند که سبک اسنادی بزهکاران برای رویدادهای ناخوشایند متفاوت از سبک اسنادی مراقبان و افراد عادی بوده و نسبت به آنها بیرونی‌تر ( $p < 0/01$ ) و ناپایدارتر ( $p < 0/01$ ) است. تفاوت سایر سبک‌های اسنادی در هیچ‌یک از گروه‌ها معنی‌دار نبود.

**نتیجه‌گیری:** بزهکاران دارای اختلال سلوک، رویدادهای بد و ناخوشایند را به عوامل بیرونی و ناپایدار نسبت می‌دهند که خود می‌تواند در بروز و تداوم بزهکاری آنان نقش داشته باشد.

**کلیدواژه:** سبک اسناد، بزهکاری، اختلال سلوک

### مقدمه

رویدادهای خوب و بد می‌نگرد (کرسینی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). از دیدگاه نظریه پردازان اسنادی، انسان گرایش به تعبیر و توجیه دنیای پیرامون خود دارد، تا بتواند کنترل بیشتری بر آن داشته باشد

سبک اسناد شیوه‌ای است که فرد بر پایه سه بعد: درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- اختصاصی به

\* دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، خیابان شهید منصوری، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان. دورنگار: ۰۲۱-۶۶۵۰۶۸۵۳ (نویسنده مسئول). E-mail: khedmatgozar@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

\*\*\*\* دکترای تخصصی روانشناسی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی ایران. انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.

هم سالان (آمس<sup>۱۱</sup>، آمس و گاریسون<sup>۱۲</sup>، ۱۹۷۷؛ تونر<sup>۱۳</sup> و مونرو<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۶)، انزوا و تنهایی شدید و اضطراب اجتماعی (کریک<sup>۱۵</sup> و لاد<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۳) و ناامیدی در پاسخ به شکست‌های اجتماعی (گوتر<sup>۱۷</sup> و دوک<sup>۱۸</sup>، ۱۹۸۰) ارتباط دارند. از سوی دیگر، گونه دیگری از اسناد ممکن است حس کنترل افراد را بر محیط افزایش داده، عزت نفس را بهبود بخشد، حس خودارزشی را بالا ببرد و از اضطراب و احساس گناه بکاهد (ورتمن<sup>۱۹</sup>، ۱۹۷۶؛ استورمز<sup>۲۰</sup> و مک کاول<sup>۲۱</sup>، ۱۹۷۶).

پژوهش‌های اندکی به بررسی نقش سبک‌های اسنادی در برخی از انواع بزهکاری پرداخته‌اند. لیندسی<sup>۲۲</sup>، کورتز<sup>۲۳</sup>، جارویس<sup>۲۴</sup>، ویلیامز<sup>۲۵</sup> و نکروود<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۰) بازنشاسی توانایی‌های درونی خود و تکیه بر اسنادهای درونی را از مهم‌ترین عوامل موفقیت در غلبه بر چالش‌ها و پیش‌گیری از روی آوردن فرد به بزهکاری گزارش کرده‌اند. مهبودی (۱۳۷۸) نشان داد که زنان روسپی بازداشت‌شده نسبت به جمعیت عادی اسناد بیرونی بیشتری برای رویدادهای منفی دارند. وی اسنادهای بیرونی زنان روسپی را برای رویدادهای منفی، بیشتر از اسنادهای درونی برای رخدادهای مثبت گزارش نمود. گارسیا<sup>۲۷</sup>، تورسیلاس<sup>۲۸</sup>، آرکوس<sup>۲۹</sup> و گارسیا (۲۰۰۵) در بررسی مصرف‌کنندگان مواد دریافتند که انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری پاسخ به‌طور مستقیم با اسنادهای درونی بیشتر برای رویدادهای مثبت و اسنادهای پایدارتر برای رویدادهای منفی ارتباط دارند.

شیوه‌ای که بزهکاران برای تبیین رفتار مجرمانه خود به کار می‌برند به عوامل زیادی از جمله وضعیت روانی (گودجانسون، ۱۹۸۴) و شخصیت (گودجانسون و سینگ<sup>۳۰</sup>، ۱۹۸۹) آنها بستگی دارد. برای نمونه، احساس گناه شدید با افسردگی ارتباط دارد (گودجانسون و پتورسون<sup>۳۱</sup>، ۱۹۹۱)،

(بروین<sup>۱</sup>، ۱۳۷۶). تبیین‌های علی، به‌ویژه زمانی قابل توجه هستند که یک چیز غیرمعمول، ناخواسته یا ناخوشایند رخ دهد و این امر در کسانی که برای مشاوره به روان‌شناسان بالینی مراجعه می‌کنند بیشتر دیده می‌شود (همان‌جا).

اسناد علی به فرآیندی گفته می‌شود که طی آن مردم در مورد عوامل علی یک رویداد یا پیامد تصمیم می‌گیرند؛ از این رو به چگونگی رسیدن مردم به اسنادهای علی خود می‌نگرد و این که این اسنادها چه اثری بر رفتار بعدی آنها می‌گذارند (بروین، ۱۳۷۶).

واکنش‌های ما در برابر رویدادها به چگونگی تفسیر ما از دنیا و اسنادهای علی برای رخدادهای بستگی دارد. اسنادها به پیش‌بینی و کنترل رویدادها کمک کرده، تبیین‌کننده احساس‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای ما هستند؛ و نه تنها بر چشم‌داشت‌ها و هیجان‌ها تأثیر می‌گذارند، بلکه عملکرد آینده فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو آنها در پاسخ‌دهی به رویدادهای فشارزا نقش اساسی دارند (مهبودی، ۱۳۷۸). نوع ارزیابی فرد از موقعیت‌ها هم چنین بر نوع شیوه مقابله او با عوامل تیدگی‌زا تأثیر می‌گذارد (حیدری، ۱۳۸۳).

هایدر<sup>۲</sup> (۱۹۵۸) بر این باور بود که انسان‌ها دارای دو نوع اسناد اصلی یا شیوه تفسیر رفتار هستند: اسناد درونی و بیرونی. اسناد درونی هنگامی رخ می‌دهد که رفتار به ویژگی‌های فردی نسبت داده می‌شود. اسناد بیرونی هنگامی رخ می‌دهد که فشارهای اجتماعی و محیطی علت رفتار دانسته می‌شوند. گودجانسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۴)، بر این باور است که اسناد رفتارهای ناخوشایند و ناپسند به عوامل بیرونی، سبب کاهش احساس گناه نسبت به آن عمل در فرد می‌شود. هم چنین، هنگامی که علت رفتار به عواملی خارج از کنترل فرد نسبت داده می‌شود حس مسئولیت‌پذیری در برابر آن رفتار کاهش می‌یابد (اشنايدر<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶). به‌طور کلی، بررسی‌ها نشان داده‌اند که تفسیرهای اسنادی در پذیرش مسئولیت اعمال خود یا انداختن مسئولیت به گردن دیگران نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (هاروی<sup>۵</sup> و اسمیت<sup>۶</sup>، ۱۹۷۷).

نظریه‌های اسنادی بر این باورند که گرایش‌های اسنادی در سازگاری هیجانی از اهمیت بالایی برخوردارند (سلیگمن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۰). هم چنین سبک‌های اسنادی ناسازگارانه با افسردگی و به‌ویژه ناامیدی (گلدستون<sup>۸</sup> و کاسلو<sup>۹</sup>، ۱۹۹۵؛ توماس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱)، طرد اجتماعی و عدم پذیرش از سوی

- |               |                 |
|---------------|-----------------|
| 1- Brewin     | 2- Heider       |
| 3- Gudjonsson | 4- Snyder       |
| 5- Harvey     | 6- Smith        |
| 7- Seligman   | 8- Gladstone    |
| 9- Kaslow     | 10- Thomas      |
| 11- Ames      | 12- Garrison    |
| 13- Toner     | 14- Munro       |
| 15- Crick     | 16- Ladd        |
| 17- Goetz     | 18- Dweck       |
| 19- Wortman   | 20- Storms      |
| 21- McCaul    | 22- Lindsey     |
| 23- Kurtz     | 24- Jarvis      |
| 25- Williams  | 26- Nackerud    |
| 27- Garcia    | 28- Torrecillas |
| 29- Arcos     | 30- Singh       |
| 31- Petursson |                 |

فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از: ۱- سبک اسنادی بزهکاران، مراقبان کانون اصلاح و تربیت و افراد عادی برای رویدادهای مطلوب با یکدیگر متفاوت است و ۲- سبک اسنادی بزهکاران، مراقبان کانون اصلاح و تربیت و افراد عادی برای رویدادهای نامطلوب با یکدیگر متفاوت است.

### روش

این پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است و در آن سه گروه: ۳۰ نفر از بزهکاران کانون اصلاح و تربیت شهر تهران که بر پایه مصاحبه بالینی دارای ملاک‌های اختلال سلوک بودند (گروه آزمایشی اول) و ۳۰ نفر از جمعیت عمومی شهر تهران از بین دانش‌آموزان دبیرستانی مشغول به تحصیل در یکی از دبیرستان‌های نزدیک به کانون اصلاح و تربیت که از نظر سن، جنس و تحصیلات با گروه بزهکار هم‌تا شده بودند (گروه گواه)، به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به شمار کم مراقبان کانون اصلاح و تربیت، همه آنها (۱۵ نفر)، ارزیابی شدند (گروه آزمایشی دوم). از این رو امکان هم‌سازی افراد این گروه با دو گروه دیگر وجود نداشت. همه آزمودنی‌ها مرد بودند و به کمک مصاحبه و پرسش‌نامه سبک اسنادی بررسی شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها شامل سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیل، علت محکومیت، سابقه محکومیت و سابقه کار در هنگام مصاحبه با بزهکاران و مراقبان و افراد عادی سنجیده شد. پرسش‌نامه سبک اسناد<sup>۱۱</sup> (ASQ) محتوای اسنادهای علی افراد برای پیامدهای مثبت و منفی را در ابعاد کانون علیت، ثبات و کلی‌بودن ارزیابی می‌کند. شکل اصلی این پرسش‌نامه که توسط سلیگمن و همکاران (۱۹۷۹) ساخته شده است در بردارنده شش موقعیت اسنادی برای پیامدهای مثبت (موفقیت) و شش موقعیت دیگر اسنادی برای پیامدهای منفی (شکست) می‌باشد. برای اجرای این پرسش‌نامه از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا تصور کنند که هر یک از موقعیت‌ها برای وی واقعاً روی داده است و سپس علل مربوط به هر رویداد را در ابعاد درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و

در حالی که به کارگیری اسناد بیرونی برای خطاها و بزه، دست کم در موارد شدید، ممکن است نشانه اختلال شخصیت باشد (گودجانسون و سینگ، ۱۹۸۹). در بیشتر موارد نبود پشیمانی و گرایش شدید به بیرونی کردن خطا و کوتاهی، پیش‌بینی‌کننده روی آوردن دوباره به بزه است (هورن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). افزون بر آن، دلایل زیادی وجود دارد مبنی بر این که اسناد بیرونی به خطاها با تکانش‌وری (گودجانسون، پتروسون، سیگورداردوتیر<sup>۲</sup> و اسکولاسون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱) و نمره بالا در خرده‌مقیاس روان‌پریشی‌گرایی<sup>۴</sup> در پرسش‌نامه شخصیت آیزنک<sup>۵</sup> همراه است. هم تکانش‌وری و هم نمره بالا در روان‌پریشی‌گرایی با اختلال شخصیت ضداجتماعی ارتباط مستقیم دارد (فاکس<sup>۶</sup>، دی کونینگ<sup>۷</sup> و لیجت<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲). شاین<sup>۹</sup> (۱۹۹۷) در پژوهشی دریافت که اسناد بیرونی برای خطاها با کینه‌ورزی، جرم، بزه و اعتیاد همبستگی مستقیم دارد. در زمینه درمان به کمک بازسازی سبک‌های اسنادی نیز پژوهش‌های زیادی انجام شده است. برای نمونه، باربر<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی ۵۹ بیمار افسرده دریافت که افزون بر درمان‌های شناختی، درمان‌های روان‌پویایی نیز در بازسازی سبک‌های اسنادی مؤثرند.

از آن‌جا که پژوهش‌های اندکی به بررسی سبک‌های اسنادی در نوجوانان بزهکار پرداخته‌اند، این بررسی می‌تواند تا اندازه‌ای این خلاء پژوهشی را پر کند. از آنجا که در کانون اصلاح و تربیت، مراقبان بیشترین تعامل را با بزهکاران دارند، آگاهی مراقبان از سبک اسناد خود و سبک اسناد بزهکاران درباره رفتار بزهکارانه می‌تواند تغییر نگرش و رفتار مراقبان را به دنبال داشته باشد. تغییر در نگرش و رفتار مراقبان کانون‌ها و سایر متخصصان بهداشت روانی و مسئولین مرتبط می‌تواند به درک بهتر شخص بزهکار بیانجامد و برنامه‌های اصلاحی را در این زمینه کارآمدتر سازد. پژوهش حاضر در این راستا و با هدف "مقایسه سبک اسنادی بزهکاران دارای اختلال سلوک کانون اصلاح و تربیت با سبک اسنادی مراقبان این کانون"، انجام شد. یافته‌های این بررسی می‌تواند در زمینه درمان‌های شناختی و روان‌پویایی به بازسازی سبک‌های اسنادی کمک نماید و از این راه بر نگرش‌ها، چشم‌داشت‌ها، هیجان‌ها، شیوه‌های مقابله و سلامت روان افراد تأثیر گذارد تا از روی آوردن آنها به رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه پیش‌گیری شود.

- |                                      |                   |
|--------------------------------------|-------------------|
| 1- Horne                             | 2- Sigurdardottir |
| 3- Skulason                          | 4- psychoticism   |
| 5- Eysenck Personality Questionnaire |                   |
| 6- Fox                               | 7- De Koning      |
| 8- Leicht                            | 9- Shine          |
| 10- Barber                           |                   |
| 11- Attribution Style Questionnaire  |                   |

اعتیاد و ۳/۳٪ ایراد ضرب و جرح و سرقت بود. سابقه محکومیت در ۵۶/۶٪ از بزهکاران یکبار، در ۳۶/۶٪ دو بار و در ۶/۶٪ بیش از دو بار بود.

در **جدول های ۱، ۲ و ۳** میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی ها در متغیر سبک اسناد آورده شده است.

**جدول ۱- میانگین و انحراف معیار آزمودنی های بزهکار از نظر ابعاد سبک اسنادی (n=۳۰)**

متغیر	میانگین (انحراف معیار)
موقعیت شکست	بعد درونی - بیرونی (۳/۰۲) ۹/۹۰
	بعد پایدار - ناپایدار (۱/۹۰) ۸/۴۰
	بعد کلی - جزئی (۲/۴۵) ۱۱/۶۳
موقعیت موفقیت	بعد درونی - بیرونی (۳/۱۹) ۹/۴۳
	بعد پایدار - ناپایدار (۱/۸۴) ۹/۳۶
	بعد کلی - جزئی (۲/۲۳) ۱۰/۴۶

**جدول ۲- میانگین و انحراف معیار مراقبان کانون اصلاح و تربیت از نظر ابعاد سبک اسنادی (n=۳۰)**

متغیر	میانگین (انحراف معیار)
موقعیت شکست	بعد درونی - بیرونی (۳/۵۴) ۱۳/۵۳
	بعد پایدار - ناپایدار (۲/۰۹) ۹/۴۰
	بعد کلی - جزئی (۲/۸۹) ۱۲/۴۰
موقعیت موفقیت	بعد درونی - بیرونی (۲/۲۹) ۹/۰۶
	بعد پایدار - ناپایدار (۱/۹۴) ۹/۹۳
	بعد کلی - جزئی (۳/۹۷) ۱۰/۵۳

**جدول ۳- میانگین و انحراف معیار آزمودنی های عادی از لحاظ ابعاد سبک اسنادی (n=۳۰)**

متغیر	میانگین (انحراف معیار)
موقعیت شکست	بعد درونی - بیرونی (۲/۸۴) ۱۳/۸۰
	بعد پایدار - ناپایدار (۱/۶۶) ۹/۹۰
	بعد کلی - جزئی (۲/۶۳) ۱۲/۷۳
موقعیت موفقیت	بعد درونی - بیرونی (۲/۷۲) ۱۰/۶۶
	بعد پایدار - ناپایدار (۱/۸۹) ۱۰/۳۳
	بعد کلی - جزئی (۲/۹۶) ۱۰/۸۳

کلی - جزئی ثبت نماید (اسلامی شهر بابکی، ۱۳۶۹). در این پژوهش پرسش نامه ای که قاسم زاده و اسلامی شهر بابکی (۱۳۶۹) آن را اقتباس و تدوین نموده اند، به کار برده شد. این پرسش نامه دارای ۱۰ موقعیت فرضی می باشد (پنج موقعیت مثبت و پنج موقعیت منفی). نمره گذاری به صورت لیکرت پنج گزینه ای انجام می شود و برای موقعیت های شکست و موفقیت به طور جداگانه محاسبه می گردد. سلیگمن و همکاران (۱۹۷۹) در بررسی پایایی پرسش نامه سبک اسنادی، ضریب آلفای آن را برای گروه های فرعی پیامد منفی درونی ۰/۴۴، پیامد مثبت درونی ۰/۳۰، پیامد منفی پایدار ۰/۶۴، پیامد مثبت پایدار ۰/۵۴، پیامد منفی کلی ۰/۶۴ و پیامد مثبت کلی ۰/۵۸ گزارش نمودند. پیترسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) ضریب پایایی بازآزمایی در یک دوره پنج هفته ای برای پیامدهای مثبت و منفی ابعاد درونی، کلی و پایدار را بین ۰/۵۷ تا ۰/۷۰ گزارش نمود. اسلامی شهر بابکی (۱۳۶۹) در بررسی پایایی درونی پرسش نامه ی سبک اسنادی، ضریب آلفای گروه های فرعی پیامد منفی درونی را ۰/۷۵، پیامد مثبت درونی ۰/۷۴، پیامد منفی پایدار ۰/۴۳، پیامد مثبت پایدار ۰/۵۶، پیامد منفی کلی ۰/۷۳ و پیامد مثبت کلی ۰/۷۶ گزارش نمودند. بررسی ها نشان دادند که نمرات به دست آمده در پرسش نامه، اسنادهای واقعی آزمودنی ها برای رویدادهای ویژه زندگی را پیش بینی می کنند (نورعلی ۱۳۸۳). داده های گردآوری شده به کمک تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی شفه تحلیل شدند.

## یافته ها

سن آزمودنی های گروه بزهکار و گروه عادی بین ۱۵ تا ۱۸ سال با میانگین ۱۶/۵ و سن آزمودنی های گروه مراقبان بین ۲۲ تا ۴۶ سال با میانگین ۲۹/۲ بود. میزان تحصیلات آزمودنی های گروه بزهکار و گروه عادی بین پنجم ابتدایی و دیپلم بود پنجم ابتدایی ۲۶/۶، اول و دوم راهنمایی هر کدام ۱۶/۶٪ و سوم راهنمایی و اول دبیرستان هر کدام ۱۶/۶٪. همه مراقبان، به جز یک نفر که تا سوم راهنمایی تحصیل کرده بود، دیپلم داشتند. ۵۳/۳٪ از مراقبان مجرد و بقیه متأهل بودند. هم چنین تمام آزمودنی ها در گروه بزهکار و عادی مجرد بودند. علت محکومیت ۶۳/۳٪ بزهکاران سرقت، ۱۳/۳٪ ایراد ضرب و جرح، ۱۰٪ نگهداری یا حمل مواد مخدر، ۶/۶٪ نگهداری مواد مخدر و اعتیاد، ۳/۳٪ ایراد ضرب و جرح و

**جدول ۵- مقایسه‌های چندگانه میانگین نمرات سبک اسناد در بعد درونی- بیرونی موقعیت شکست به کمک آزمون شفه**

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	t
بزهکاران	مراقبان	*-۳/۶۳	۳/۳۹
عادی		*-۳/۹	۴/۹۳
مراقبان	عادی	-۰/۲۷	۰/۲۷

\*p&lt;۰/۰۵

**جدول ۶- مقایسه‌های چندگانه میانگین نمرات سبک اسناد در بعد پایدار- ناپایدار موقعیت شکست به وسیله آزمون شفه**

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	t
بزهکاران	مراقبان	-۱	۱/۶۴
عادی		*-۱/۵	۳/۱۹
مراقبان	عادی	-۰/۵	۰/۸۴

\*p&lt;۰/۰۵

### بحث

این بررسی، تفاوت معنی‌داری بین سبک اسنادی گروه بزهکار و دو گروه دیگر پژوهش برای رویدادهای مثبت نشان نداد. بنابراین فرضیه اول پژوهش رد شد. به بیان دیگر، تفاوتی در چگونگی اسناد رویدادهای مثبت در بزهکاران، مراقبان و افراد عادی دیده نشد. بررسی پیشینه پژوهش نیز یافته‌ای را در این زمینه نشان نداد.

در بررسی فرضیه دوم پژوهش نیز سبک اسناد بزهکاران دارای اختلال سلوک در موقعیت‌های شکست نسبت به سبک اسناد مراقبان و افراد عادی بیرونی‌تر است. هم‌چنین، سبک اسناد بزهکاران بر خلاف سبک اسناد افراد عادی در موقعیت‌های شکست ناپایدارتر است. بنابراین، بزهکاران بیشتر گرایش به نسبت‌دادن رویدادهای نامطلوب به عوامل بیرونی و ناپایدار دارند تا عوامل درونی و پایدار. شاید بتوان این یافته‌ها را این‌گونه تفسیر کرد که چون بزهکاران در زمان اقامت در کانون آزمون شده‌اند، یک یا چند موقعیت منفی را تجربه نموده و این در پاسخ به موقعیت‌های فرضی منفی پرسش‌نامه تأثیر داشته باشد. شاید اگر آزمودنی‌های بزهکار در موقعیت‌های مثبت و موفقیت‌آمیز آزمون شوند، پاسخ آنها به گونه دیگری باشد. هم‌چنین در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت با توجه به این که بزهکاران با جرم و بزه سر و کار دارند شاید تفاوت آنها با دیگران در جنبه‌های منفی و نامطلوب

**جدول ۷- مقایسه میانگین نمرات ASQ گروه‌های پژوهشی (N=۷۵) در ابعاد درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- جزئی در موقعیت‌های شکست و موفقیت**

متغیر	منبع تغییرات	درجه آزادی	F
بعد درونی- بیرونی			
موقعیت شکست	بین گروهی	۲	*۱۳/۱۳
خطا		۷۲	
بعد پایدار- ناپایدار	بین گروهی	۲	*۵/۰۱
موقعیت شکست			
خطا		۷۲	
بعد کلی- جزئی	بین گروهی	۲	۱/۴۲
موقعیت شکست			
خطا		۷۲	
بعد درونی- بیرونی	بین گروهی	۲	۱/۵۶
موقعیت موفقیت			
خطا		۷۲	
بعد پایدار- ناپایدار	بین گروهی	۲	۱/۹۶
موقعیت موفقیت			
خطا		۷۲	
بعد کلی- جزئی	بین گروهی	۲	۰/۱۳
موقعیت موفقیت			
خطا		۷۲	

\*p&lt;۰/۰۱

در **جدول ۷** میانگین نمرات ASQ گروه‌های پژوهشی در ابعاد درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- جزئی در موقعیت‌های شکست و موفقیت مقایسه شده است.

همان‌گونه که **جدول ۷** نشان می‌دهد تفاوت میانگین گروه‌ها در هیچ یک از سه بعد موفقیت معنی‌دار نیست. به بیان دیگر، چگونگی اسناد رویدادهای مثبت در بزهکاران، مراقبان و افراد عادی متفاوت از یکدیگر نبود. هم‌چنین با توجه به نتایج جدول یادشده، چگونگی اسناد رویدادهای منفی در بعد کلی- اختصاصی در هیچ یک از گروه‌ها با یکدیگر تفاوت معنی‌داری نداشتند، اما تفاوت میانگین گروه‌ها در ابعاد درونی- بیرونی و پایدار- ناپایدار موقعیت شکست از نظر آماری معنی‌دار بود ( $p<۰/۰۱$ ). آزمون تعقیبی شفه برای نشان دادن تفاوت میان گروه‌ها به کار برده شد. همان‌گونه که **جدول ۵** نشان می‌دهد، سبک اسناد بزهکاران در موقعیت‌های شکست نسبت به سبک اسناد مراقبان و افراد عادی بیرونی‌تر است. **جدول ۶** نیز بیانگر آن است که سبک اسناد بزهکاران بر خلاف سبک اسناد افراد عادی در موقعیت‌های شکست ناپایدارتر است. بنابراین، بزهکاران گرایش دارند رویدادهای نامطلوب را به عوامل بیرونی و ناپایدار نسبت دهند تا عوامل درونی و پایدار.

بیشتر از جنبه‌های مثبت است. این یافته‌ها با نظر گودجانسون (۱۹۸۴) که اسناد رفتارهای ناخوشایند به عوامل بیرونی را سبب کاهش احساس گناه نسبت به آن عمل در فرد می‌داند، هم‌خوانی دارد. از سوی دیگر نبود پشیمانی و گرایش به بیرونی کردن خطا پیش‌بینی کننده انجام دوباره بزه است (هورن، ۱۹۹۹). هم‌چنین، اسناد بیرونی به خطاها با تکانش‌وری (گودجانسون، پتورسون، سیگوردادوتیر و اسکولاسون، ۱۹۹۱)، کینه‌ورزی و بزهکاری (شاین، ۱۹۹۷) همراه است که با وجود اختلال شخصیت ضداجتماعی و اختلال سلوک ارتباط مستقیم دارد (فاکس و همکاران، ۲۰۰۲). هنگامی که علت رفتار به عوامل بیرون از کنترل فرد نسبت داده می‌شود، حس مسئولیت‌پذیری در برابر آن رفتار کاهش می‌یابد (اشنایدر، ۱۹۷۶). یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش گارسیا و همکاران (۲۰۰۵) بر روی مصرف‌کنندگان مواد مبنی بر ارتباط مستقیم انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری پاسخ با اسنادهای درونی بیشتر برای حوادث مثبت و اسنادهای پایدارتر برای حوادث منفی، ناهم‌خوان است که می‌تواند نشان‌دهنده سبک اسناد متفاوت در گروهی از بزهکاران یعنی مصرف‌کنندگان مواد باشد.

این بررسی تفاوت معنی‌داری بین مراقبین بزهکاران و افراد عادی در بعد پایدار-ناپایدار نشان نداد. نویسندگان این نوشتار نتوانستند در ادبیات پژوهشی یافته‌هایی در تأیید یا رد این موضوع پیدا کنند؛ از این رو لازم است این موضوع مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

به‌طور کلی با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی بر بیرونی و ناپایدار بودن سبک اسناد در بزهکاران، پیش‌بینی می‌شود بزهکاران که شکست‌ها و رویدادهای نامطلوب را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند در راستای بهبود رفتار خویش نکوشند. بنابراین با مداخله در راهبردهای شناختی و تغییر الگوهای پردازش اطلاعات و آموزش سبک اسنادی مطلوب، هم می‌توان رفتار بزهکاران را پیش‌بینی کرد و هم آنها را تغییر داد.

با توجه به محدود بودن شمار آزمودنی‌ها، روش نمونه‌گیری و ابزار پژوهش نمی‌توان یافته‌ها را به شرایط مشابه تعمیم داد و انجام پژوهش‌های گسترده‌تر در این زمینه پیشنهاد می‌شود. با توجه به این که سبک اسنادی دوستان بر روی شیوه اسناد دادن نوجوانان تأثیر می‌گذارد (استیونز<sup>۱</sup> و پرنستین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵)، لزوم آموزش به والدین و نوجوانان در

انتخاب دوستان دارای سبک‌های اسنادی مطلوب احساس می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر هم‌چنین می‌تواند رهنمودهای سودمندی در زمینه تأمین بهداشت روانی از سطح پیش‌گیری تا درمان در اختیار افراد و نهادهای جامعه مانند کلینیک‌های روانشناسی، مراکز پژوهشی، کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها قرار دهد.

### سپاسگزاری

بدین وسیله از مسئولین محترم کانون اصلاح و تربیت شهر تهران به خاطر همکاری‌های ارزشمندشان قدردانی می‌شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۱۱/۲۸؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۶/۴/۱۸؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۴/۳۰

### منابع

- اسلامی شهر بابکی، حیدر (۱۳۶۹). *بررسی رابطه بین سبک تبیین و افسردگی در بیماران افسرده یک قطبی و دو قطبی و مقایسه آن با افراد بیهنجر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- بروین، کریس (۱۳۷۶). *بنیادهای شناختی روانشناسی بالینی*، ترجمه: مجید محمود علیلو، عباس بخشی‌پور رودسری و حسن صبوری مقدم، تبریز: روان‌پویا.
- حیدری، شیمیا (۱۳۸۳). *بررسی تأثیر آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های حل مسئله بر کاهش تمایل به فرار در دختران در معرض فرار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س) تهران.
- مهبودی، مسعود (۱۳۷۸). *مقایسه سبک اسناد علی‌زنان ویژه (روسپی)* *بازداشت‌شده با زنان عادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- نور علی، زهره (۱۳۸۳). *مقایسه هوش هیجانی، سبک اسنادی و راهبردهای مقابله‌ای افراد موفق و ناموفق در کنکور سراسری سال ۸۴-۱۳۸۳*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.
- Ames, R., Ames, G., & Garrison, W. (1977). Children's causal ascriptions for positive and negative interpersonal outcomes. *Psychological Reports, 41*, 595-602.
- Barber, J. P., Abrams, M. J., Connolly-Gibbons, M. B., Crits-Christoph, P., Barrett, M. S., Rynn, M., & Siqueland, L. (2005). Explanatory style change in supportive-expressive dynamic therapy. *Journal of Clinical Psychology, 61*, 257-268.
- Corsini, R. J. (1999). *The dictionary of psychology*. Ann

- Arbor, MI: Brunner/ Mazel.
- Crick, N. R., & Ladd, G. (1993). Children's perceptions of their peer experiences: Attributions, loneliness, social anxiety, and social avoidance. *Developmental Psychology*, 29, 244-254.
- Fox, S., De Koning, E., & Leicht, S. (2002). The relationship between attribution of blame for a violent act and EPQ-R sub-scales in male offenders with mental disorder. *Personality and Individual Differences*, 33, 1-9.
- García, A. V., Torrecillas, F. L., Arcos, F. A., & García, M. P. (2005). Effects of executive impairments on maladaptive explanatory styles in substance abusers: Clinical implications. *Archives of Clinical Neuropsychology*, 20, 67-80.
- Gladstone, T. R. G., & Kaslow, N. J. (1995). Depression and attributions in children and adolescents: A meta-analytic review. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 23, 597-606.
- Goetz, T., & Dweck, C. (1980). Learned helplessness in social situations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 246-255.
- Gudjonsson, G. H. (1984). Attribution of blame for criminal acts and its relationship with personality. *Personality and Individual Differences*, 5, 53-58.
- Gudjonsson, G. H., & Petursson, H. (1991). Custodial interrogation: Why do suspects confess and how does it relate to their crime, attitude and personality? *Personality and Individual Differences*, 12, 295-306.
- Gudjonsson, G. H., Petursson, H., Sigurdardottir, H., & Skulason, X. (1991). The personality of Iceland prisoners: Some normative data, *Nordisk Psychiatrisk Tidsskrift*, 45, 151-157.
- Gudjonsson, G. H., & Singh, K. K. (1989). The revised Gudjonsson Blame Attribution Inventory. *Personality and Individual Differences*, 10, 67-70.
- Harvey, J. H., & Smith, W. P. (1977). *Social psychology: An attribution approach*. St. Louis, MO: Mosby.
- Heider, F. (1958). *The psychology of interpersonal relations*. New York: Wiley
- Horne, A. S. (1999). Reflections on remorse in forensic psychiatry. In: M. Cox (Ed.), *Remorse and reparation*. London: Jessica Kingsley Publishers.
- Lindsey, E. W., Kurtz, P. D., Jarvis, S., Williams, N. R., & Nackerud, L. (2000). How runaway and homeless youth navigate troubled waters: Personal strengths and resources. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 17, 115-139.
- Peterson, C. R., Semmel, A., Von Baeyer, C., Abramson, L. Y., Metalsky, G. I. & Seligman, M. E. P. (1982). The Attributional Style Questionnaire. *Cognitive Therapy and Research*, 6, 287-300.
- Seligman, M. E. P., Abramson, L. Y., Semmel, A., & Von Baeyer, C. (1979). Depressive attributional style. *Journal of Abnormal Psychology*, 88, 242-247.
- Seligman, M. E. P. (1990). *Learned optimism*. Sydney: Random House.
- Shine, J. H. (1997). The relationship between blame attribution, age and personality characteristics in inmates admitted to Grendon therapeutic prison. *Personality and individual differences*, 23, 943-947.
- Snyder, M. (1976). Attribution and behavior: Social perception and social causation. In J. H. Harvey, W. J. Ickes and R. F. Kidd (Eds.), *New Directions in Attribution Research*, New York: Erlbaum.
- Stevens, E. A., & Prinstein, M. J. (2005). Peer contagion of depressogenic attributional styles among adolescents: A longitudinal study. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 33, 25-37.
- Storms, M. D., & McCaul, K. D. (1976). Attribution processes and emotional exacerbation of dysfunctional behavior. In J. H. Harvey, W. J. Ickes and R.F. Kidd (Eds.), *New directions in attribution research*. New York: Erlbaum.
- Thomas, E. (2001). Negative attributional style, hopelessness depression and endogenous depression. *Behavior Research and Therapy*, 39, 139-149.
- Toner, M. A., & Munro, D. (1996). Peer-social attributions and self-efficacy of peer-rejected preadolescents. *Merrill-Palmer Quarterly*, 42, 339-357.
- Weiner, B. (1985). Spontaneous causal thinking. *Psychological Bulletin*, 97, 74-84.
- Wortman, C. B. (1976). Causal attribution and personal control. In J. H. Harvey, W. J. Ickes and R. F. Kidd (Eds.), *New Directions in Attribution Research*. New York: Erlbaum.

## Attribution Style in Criminals with Conduct Disorder and Watchmen in Center for Correction and Rehabilitation

Khedmatgozar, H., Shareh, H., Vakili, Y., & Asgharnejad Farid, A. A. (2008). Attribution style in criminals with conduct disorder and watchmen in center for correction and rehabilitation. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14, 17-23.

### Abstract

**Objectives:** The purpose of this study was to compare the attribution style among criminals with conduct disorder and watchmen in Tehran's Center for Correction and Rehabilitation.

**Method:** Retrospective method was used in this study. Two groups consisted of an experimental group (30 criminals and 15 watchmen) and a normal group (30 normal subjects) who were matched for sex, age and education were evaluated. The subjects in the criminal and normal groups were selected using random sampling and convenience sampling methods respectively; but due to the small number of watchmen in the center, all were evaluated. The subjects in the three groups were assessed through interview and Attribution Style Questionnaire (ASQ). Data were analyzed using one way analysis of variance and post hoc Scheffe.

**Results:** Data showed that criminal's attribution style for unfavorable events is different from the attribution styles of watchmen and normal subjects. Their attribution style was more external ( $p < 0.01$ ) and more unstable ( $p < 0.01$ ). Other attribution styles were not significantly different among the three groups.

**Conclusion:** Criminals with conduct disorder attribute unfavorable events to external and unstable factors. This kind of attribution could have a role in the maintenance of their criminal actions.

**Key words:** attribution style, criminality, conduct disorder

*Hossein Khedmatgozar\**,  
*Hossein Shareh<sup>a</sup>*,  
*Yaghoob Vakili<sup>b</sup>*,  
*Ali Asghar Asgharnejad Farid<sup>c</sup>*

\* Corresponding author: Postgraduate student in Clinical Psychology, Tehran Psychiatric Institute and Mental Health Research Centre, Shahid Mansoori Alley, Niayesh St., Sattarkhan Ave., Tehran, Iran, IR.

Fax: +9821-66506853

E-mail: khedmatgozar@yahoo.com

<sup>a</sup> Postgraduate student in Clinical Psychology, Tehran Psychiatric Institute and Mental Health Research Centre; <sup>b</sup> Master's degree student in Clinical Psychology, Tehran Psychiatric Institute and Mental Health Research Centre; <sup>c</sup> PhD. in General Psychology, Assistant Prof. of Iran University Medical Science, Tehran Psychiatric Institute and Mental Health Research Centre.